

تأثیر فرهنگ شهادت بر تداوم انقلاب اسلامی

علی جاوید^۱، مهدی شوشتری^۲

چکیده

یکی از عوامل مؤثر بر تداوم انقلاب اسلامی، فرهنگ شهادت است که ریشه در گذشته سرخ جامعه شیعی یعنی اعتقاد به عاشورا و مؤلفه‌های ایثار، از خودگذشتگی و شهادت در راه ارزش‌ها دارد. این عناصر بعد از واقعه عاشورا به صورت یک فرهنگ در جوامع شیعی نمود پیدا کرد؛ به طوری که هنوز زمان زیادی از این واقعه نگذشته بود که قیام‌های متعددی با تأثیرپذیری از عاشورا در جوامع شیعی به وقوع پیوست که از جمله آن‌ها می‌توان به قیام توابع اشاره نمود. از همان زمان بود که شهادت‌طلبی به عنوان یک فرهنگ در جامعه مطرح شد و این اندیشه موجب گردید شیعیان در مبارزه با ظلم و ستم از مرگ نهراسند. انقلاب اسلامی ایران با اتکاء به نیروی ایمان و جوانان پر شور به رهبری امام خمینی (ره) در سال ۱۳۵۷ با پیروزی بر یکی از قدرتمندترین دیکتاتورها جهان توانست نهال انقلاب اسلامی را با وجود توطئه‌های بسیاری از جمله جنگ هشت ساله، به ثمر بنشاند و از آن درختی تنومند بر جای بگذارد که اکنون در جهان به عنوان قدرتی بزرگ و تأثیرگذار در معادلات بین‌المللی از آن یاد می‌شود. اهمیت چنین موضوعی دستاورد امنیت و استقلال ایران را فراهم می‌آورد. پژوهش پیش رو با هدف بررسی تأثیر فرهنگ شهادت بر تداوم انقلاب اسلامی ایران با روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که اندیشه شهادت‌طلبی با تأثیرپذیری از فرهنگ عاشورا نه تنها عامل اصلی پیدایش انقلاب اسلامی بوده بلکه از عوامل اصلی حفظ و تداوم آن نیز بوده است.

واژه‌های کلیدی

انقلاب اسلامی، تداوم انقلاب، فرهنگ عاشورا، اندیشه شهادت

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۴

* این مقاله بر اساس نظر داوران و سردبیر فصلنامه، پژوهشی است.

alijavid711@gmail.com

۱. دانشجوی کارشناسی مریگری عقیدتی دانشکده شهید محلاتی قم

ailto:mahdishostari@chmail.ir

۲. استادیار مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی قم (نویسنده مسئول)

❖ مقدمه

فرهنگ شهادت‌طلبی یعنی باور به خدا و معاد، اعتقاد راسخ به اسلام ناب محمدی (ص)، ایستادگی در مقابل دشمن، ایثار جهت حفظ ارزش‌های انقلاب و اعتقاد به احدی‌الحسنین (پیروزی یا شهادت راه خدا) است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسَيْنَيْنِ» (توبه: ۵۱ و ۵۲). امام خمینی (ره) بنیان‌گذار جمهوری اسلامی در این باره می‌فرماید: «ما بندگان خدا هستیم و در راه او، حرکت می‌کنیم و پیشروی می‌کنیم. اگر شهادت نصیب شد، سعادت است و اگر پیروزی نصیب شد، سعادت است» (صحیفه نور، ج ۱۵: ۴۰۴)؛ بنابراین فرهنگ ایثار و شهادت، مجموعه دستاوردهای نظری و فکری است که بر اساس موازین الهی شکل گرفته و سبب جهت دادن به رفتارها و ارزش‌های یک جامعه و موجب انسجام افراد و گروه‌های ولایی می‌شود و ملتی که با فرهنگ شهادت‌طلبی آراسته شده، شکست‌ناپذیر است.

یکی از مواردی که به وضوح دین‌باوری و روحیه ایثار و شهادت‌طلبی را بر همه سلاح‌های پیشرفته دنیا پیروز کرد؛ ایستادگی قهرمانانه ملت ایران در هشت سال دفاع مقدس بود. ارزش‌هایی که در این حماسه تبلور یافت و از عوامل مهم پیروزی بر دشمن بود، ریشه در فرهنگ ناب اسلامی و باورهای دینی رزمندگان اسلام داشت. آنان، بر اساس آموزه‌های قرآنی، ارتباط خود را با خداوند متعال نزدیک و استوار کرده بودند. این ارتباط که با یاد خدا، به وسیله نماز و انس با قرآن و دعا و راز و نیاز و نیز اخلاص و ورزی و توکل پدید می‌آمد، آرامشی بر گستره جانشان چیره ساخت تا از امداد و نصرت الهی برخوردار گردند. همین ارتباط وثیق، سرانجام آنان را مشتاق دیدار دوست و نظاره کردن «وجه الله» می‌کرد؛ اشتیاقی که آغازش بی‌اعتنایی به دنیا و انجامش شهادت‌طلبی بود.

یافته‌ها و دستاوردهای تاریخی از صدر اسلام تاکنون، بیانگر این واقعیت شگرف است که فرهنگ ایثار و شهادت‌طلبی به‌عنوان مؤثرترین عنصر در پیشبرد اهداف و حفظ ارزش‌ها و مقابله با دشمنان داخلی و خارجی مطرح بوده است. تأثیر این فرهنگ پیشتان، در حوزه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، نظامی و اقتصادی نیز قابل مشاهده است؛ اما سؤالی که اینجا مطرح می‌شود؛ این است که این ویژگی (فرهنگ شهادت‌طلبی) چگونه موجب تداوم و ماندگاری انقلاب اسلامی گردیده است؟ در این مقاله سعی می‌شود ابتدا مفهوم شهادت و شهادت‌طلبی موردبررسی قرار گیرد و سپس نقش فرهنگ شهادت و شهادت‌طلبی در تداوم انقلاب اسلامی ایران موردبحث و بررسی قرار گیرد.

نخستین موضوع برای ادراک یک پدیده و یا، بررسی لغوی و معنوی آن است. مفهوم واژه شهادت‌طلبی در تعبیری که امروزه بکار می‌رود؛ در قرآن کریم استفاده نشده؛ بلکه به‌عنوان نوعی ادراک استعمال شده است. در این باره علامه طباطبایی معتقد است: «شهادت، رسیدن به خود شئی است یا به حس ظاهری مانند ادراک محسوسات و یا به احساس باطنی مانند ادراک و وجدانیات از قبیل علم و اراده و حب و بغض» (شریعتی، ۱۳۹۲: ۱۷۲). شهید نیز از ماده شهود و شهادت است و بنابراین شهید هم به معنی حضور و هم به معنی علم و یقین و هم به معنی معاینه و مشاهده است. در قرآن کریم از مفاهیمی استفاده شده است که بر مصداق واژه «شهید» دلالت دارد. همانند واژه کلمه «قتیل» به‌ویژه «قتل فی سبیل‌الله» که کشته شدن در راه حق و ارزش‌های مقدس است؛ بنابراین معنی شهادت و شهید در قرآن وسیع‌تر از مفهومی است که در ادبیات امروزه کاربرد دارد. در واقع فرهنگ شهادت نتیجه اندیشه و روان سالم، روحیه شجاعت و انتخاب آگاهانه است که مقاومت و پویایی انقلاب را به‌دنبال دارد. در واقع این نگاه به‌خوبی اهمیت و ضرورت چنین موضوعی را آشکار می‌سازد.

با توجه به برخی از مطالبی که در قرآن و سنت و تفاسیر آمده است؛ می‌توان دلایلی را که موجب شده است به‌جای کلمات مترادف دیگر از واژه شهید استفاده شود؛ بیان نمود:

(الف) یکی از کسانی که در روز قیامت به‌عنوان شاهد اعمال انسان‌ها برانگیخته می‌شود و گواهی می‌دهد شهید است. بنابراین شهید هم‌ردیف انبیاء و اولیاء و صدیقان به‌عنوان شاهد مورد توجه است و در بارگاه عدل الهی به کلام او استناد می‌شود (شاعری، ۱۳۸۱: ۱۴).

(ب) از آن جهت واژه «شهید» استفاده می‌شود که در تعبیر قرآن، شهید جاودانه و زنده و حاضر و ناظر است و نباید او را مرده پنداشت چون او حیات معنوی دارد و الگو و شاهدهی برای جامعه و بشریت است. به‌قول سعدی علیه‌الرحمه «مرده آن است که نامش به نکویی نبرند» (غزلیات - سعدی، غزل ۲۰). نام شهید در دنیا زنده است چون هدف او تمسک به چراغ هدایت و سفینه نجات است؛ و شهادت او موجب بقا و زندگی دیگران است. بنابراین تا حقیقت و عدالت و انسانیت زنده است او هم زنده است.

(ج) از آنجا که شهید با علم حصولی و حضوری حقانیت آیین خدا و وعده‌های الهی را درک کرده، به مراحل والای یقین و شهود و قرب رسیده است؛ بنابراین او فقط «وصف یار» نشنیده بلکه «وصل یار» و «شهد لذت دلدار» را ادراک می‌نماید. بهر حال انتخاب واژه شهید در فرهنگ ایرانیان ناشی از سه جنبه است: مورد اول از تأثیر شهادت بر حیات اعتقادی و اجتماعی جامعه و نقش الگویی و بیدارگری و حماسه‌آفرینی شهید است. جنبه دوم ناشی از مقام حیات جاوید و طیبه شهدا در روز قیامت و گواهی و شفاعت آن‌هاست. و سوم آنکه متأثر از

علم حصولی و وصولی و حضوری آنها نسبت به کاری است که انجام داده‌اند و مسیری است که طی می‌کنند. آنها سلسله‌مراتب والای عشق و عرفان و اشراق را طی کرده و به سرچشمه مقصود رسیده‌اند. عده‌ای ریشه و مفهوم شهادت را با مفهوم خارجی آن یعنی «Martyrdom» «معادل» و برخی مرتبط و بعضی مخالف می‌دانند. فرهنگ انگلیسی - فارسی اکسفورد واژه شهادت را این‌گونه تعریف می‌کند: «شهادت به عملی اطلاق می‌شود که فرد به خاطر اعتقادات مذهبی و اصول مهمی می‌میرد و یا خود را به رنج دچار می‌کند» (شهید مطهری، ۱۳۷۷، ج ۳: ۸۱ - ۸۲). در فرهنگ علوم سیاسی، شهادت یعنی: «۱. کشته شدن در راه عقیده ۲. در اصطلاح حدیث و در تاریخ و ادب اسلامی به کشته شدن ضمن جهاد در راه خدا به دست مخالفان دین گفته می‌شود. شهادت دارای دو رکن است: یکی اینکه در راه خدا و فی سبیل‌الله باشد، مقدس باشد و انسان بخواهد جان خود را فدای هدف کند و دوم اینکه آگاهانه صورت گرفته باشد.» (فرهنگ علوم سیاسی). از دیدگاه دورکیم شهادت طلبی نوعی خودکشی دگرخواهانه است. تعریف او از خودکشی عبارت است از «مرگی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از عمل مثبت یا منفی قربانی کردن خویش ناشی می‌شود به‌گونه‌ای که قربانی خود می‌داند آن عمل این نتیجه را به‌بار خواهد آورد. (ریمون آرون، ۱۳۹۳: ۳۵۸). از دیدگاه علامه جعفری «شهادت عبارت است از پایان دادن به فروغ درخشان حیات در کمال هوشیاری و آزادی برای رسیدن به هدفی که آن هدف والاتر و بهتر از زندگی طبیعی دنیاست» (جعفری، ۱۳۹۸، ج ۶: ۳).

از دیدگاه ایشان برخی از ابعاد شهادت بدین قرار است: ۱. پایان دادن به زندگی طبیعی معمولی در راه دفاع از ارزش‌ها و حیات حقیقی. ۲. شکافتن کالبد مادی و به پرواز درآوردن روح در مقام شهود الهی در راه وصول کمال و بزرگداشت حیات معقول. ۳. تعیین کردن ملاک و میزان برای زندگی قابل تفسیر در این دنیا. دکتر شریعتی معتقد است که واژه «شهید» در فرهنگ اسلامی در مقایسه با فرهنگ غربی دارای اختلاف معنایی و بینشی عمیقی است؛ زیرا «در ممالک اروپایی به شهید مارتیر می‌گویند از ریشه مورت به معنای مرگ و مردن ولی در اسلام و بالاخص در فرهنگ شیعی که تکیه اصلی آن شهادت است به جای کلمه مارتیر و به جای ریشه مورت، این مفهوم یعنی کلمه‌ای از ریشه «شهد» به معنای حضور، حیات، گواه و نمونه، حی و حاضر انتخاب شده است و این امر و کلمه اختلاف دو بینش، دو نوع نگاه، دو نوع تلقی و شعور و فهم را در اسلام تشیع علوی با فرهنگ‌های دیگر جهان نشان می‌دهد (شریعتی، ۱۳۹۲: ۱۷۲).

به هر حال اینکه در فرهنگی شهادت معنا و مفهوم خاص خود را داشته باشد؛ طبیعی به نظر می‌رسد؛ اما این موضوع به این مفهوم نیست که در فرهنگ‌ها درباره شهادت‌طلبی اصول و آرمان‌ها و انگیزه‌های مشترکی یافت نشود.

فرضیه تحقیق

فرهنگ ایثار و شهادت با ایجاد اتحاد در حرکت منسجم جامعه گامی بلند بسوی اندیشه توحیدی بر خواهد داشت که موجب همدلی بین مردم و کارگزاران کشور «ذیل کارکردهای سیاسی - عبادی»، جهت تنویر افکار عمومی جامعه در شریعت محمدی

می‌شود. این روشنگری احساس مسئولیت افراد جامعه و مسئولین را در برابر خون شهیدان مضاعف ساخته و تداوم و ماندگاری انقلاب اسلامی را موجب خواهد شد.

مبانی نظری پژوهش

اندیشه‌های استاد مطهری یکی از منابع معتبر و مؤثر در زمینه مسائل اسلامی به‌ویژه موضوع جهاد و شهادت است. ایشان با درک مقتضیات زمان و با تحقیقات عمیق و اصیلی که از منابع و مسائل اسلامی و اجتماعی داشت؛ در این وادی نیز مباحث ارزشمندی دارد اگر کسی با مفاهیم اسلامی آشنا باشد؛ احساس می‌کند که گرد واژه شهید را، هاله‌ای از تقدس فراگرفته است و این کلمه در همه فرهنگ‌ها توأم با قداست و عظمت است. چیزی که معیارها و ملاک‌ها در آن‌ها متفاوت است. درواقع موضوع نیت‌ها، انگیزه‌ها و معیارها از نظر شهید مطهری بسیار اساسی است:

در اسلام درجه شهید و مقام شهادت درباره کسی صدق می‌کند که «اسلام» با معیارهای خاص خودش او را شهید بشناسد؛ یعنی واقعاً در راه هدف‌های عالی اسلامی و با انگیزه برقراری ارزش‌های واقعی بشر کشته شود. از این منظر شهادت مرگی است که انسان با توجه به خطرات احتمالی یا ظنی یا یقینی فقط به انگیزه هدفی مقدس و انسانی و به تعبیر قرآن «فی سبیل‌الله» از آن استقبال نماید. بنابراین شهادت‌طلبی به حکم اینکه عملی آگاهانه و اختیاری است؛ باید از هرگونه انگیزه خودگرایانه مبرا باشد تا عملی قهرمانانه و افتخارآمیز بشمار آید. از نظر او شهادت‌طلبی با تقدس و ارزش‌های مافوق مادی مرتبط است «درواقع نشانه تقدس یک چیز این است که انسان آن را شایسته بداند که زندگی فردی خودش را فدای آن کند.» (شهید مطهری، ۱۳۷۲: ۱۰۸).

تأکید شهید مطهری به موضوع «خالص بودن انگیزه‌های شهادت‌طلبی» و «فی سبیل الله» بودن آن از ویژگی‌های منحصر بفرد تفکر اوست. همچنان که بارها گفته بود که کار برای رضای خود کردن، خودپرستی و کار برای رضای خلق و خدا کردن، شرک و دوگانه‌پرستی و کار خود و خلق را برای رضای خدا کردن یگانه‌پرستی است. به بیان دیگر ارزشمندترین عمل و آخرین کنشی که فرد در زندگی انجام می‌دهد؛ شهادت است. بنابراین، جهاد و شهادت باید محض رضای خدا یعنی «قربۀ الی الله» باشد. جنبه دیگر شهادت‌طلبی از نظر او میثاقی است که شهید با جامعه دارد. منطق شهید از نظر مطهری سوختن و روشن کردن و جذب شدن در جامعه، برای احیای جامعه است. منطق شهید دمیدن روح به اندام مرده از ارزش‌های انسانی و منطق حماسه‌آفرینی و آینده‌نگری است. «شهید» «احیانا» برای حماسه‌آفرینی، برای تزریق خون به جامعه، برای نوریخشی به جامعه و برای حیات‌دادن به جامعه باید شهید شود» (شهید مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲: ۱۳۴). بنابراین شهید چون شمع و مشعلی است که خود می‌سوزد تا اجتماع در تاریکی‌ها نماند و در فساد و تباهی نسوزد. پس شهید یک اصلاح‌طلب است که برای انجام اصلاحات شایسته از جان خود هم، می‌گذرد. اینجاست که استاد مطهری منطق عشق و عرفان را با منطق یک مصلح پیوند می‌زند.

«اگر منطق یک مصلح دلسوخته برای اجتماع خودش و منطق یک عارف عاشق لقای پروردگار خودش و به تعبیر دیگر اگر شور یک عارف عاشق پروردگار را با منطق یک نفر مصلح با همدیگر ترکیب بکنید از آنها «منطق شهید» در می‌آید» (شهید مطهری، ۱۳۶۸: ۸۵).

ایشان معتقد است که شهادت دو خصلت دارد: هم عمل و تکامل است و هم انتقال به جهان دیگر است که امری محبوب و مطلوب و مورد آرزوی اولیاءالله است. شهید مطهری در بررسی جامع خود از حادثۀ عاشورا به تحریفات آن اشاره کرده است. و انگیزه‌های قیام سالار شهیدان را حماسی، عقلانی و عرفانی و متضمن احساس والا

می‌داند. به اعتقاد او همین ابعاد متنوع است که کربلا را یک نمونه بزرگ اجتماعی برای اصلاحات در همه عصرها و نسل‌ها کرده است (شاعری، ۱۳۸۱: ۱۲۱). از دیدگاه او زمان و مکان انتخاب شهادت بسیار مهم است. یعنی درک شرایط و مقتضیات برای انتخاب شهادت بسیار حیاتی است. مطهری می‌گوید: موقعیت شناسی امام حسین (ع) بسیار عالی بود. اگرچه عده‌ای کوتاه‌بین که فقط به نتایج ظاهری توجه داشته‌اند، حادثه کربلا را پایان یک راه می‌دانند؛ اما ایشان معتقد بود:

یک سلسله امور و پدیده‌های اجتماعی وجود دارد که به اجتماع روشنایی و صفا می‌دهد و جرأت و شهامت و غیرت می‌بخشد. سالار شهیدان با حرکت و قیامش روح مردم را زنده کرد، ترس را ریخت و احساس عبودیت و بردگی را زایل نمود و در یک کلام به جامعه شخصیت داد. و احساس فلسفه زندگی مستقل و الگوی مستقل قیام را مطرح کرد.

به‌طور کلی انگیزه‌های شهادت‌طلبی به‌ویژه شهادت سالار شهیدان را از نظر استاد شهید مطهری می‌توان به‌صورت زیر خلاصه نمود:

۱. نقش الگویی و پیام‌رسانی و حماسه‌آفرینی و تجلی صفات عالی انسانی؛
۲. ارتباط یافتن با ارزش‌های مقدس و فدا شدن در راه برقراری اهداف متعالی و مقدس؛
۳. دلسوزی برای اصلاح جامعه و توجه به جذب شدن در جامعه برای احیای اندام-های مرده اجتماع؛
۴. انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر و اقدام عملی جهت احیای دین و جلوگیری از نابودی سنت‌های حسنه؛
۵. شور عاشقانه و خالصانه برای پیوستن به معشوق بدور از خودخواهی و خودپرستی؛

۶. آرمانگرایی و ذلت‌ناپذیری و عدالتخواهی و آزادگی در پرتو توحید؛ ۷. اتصال با ابدیت و جاودانگی و تکامل فردی.

بدون شک نظریات امام خمینی (ره) دربارهٔ شهادت و انگیزه‌های آن در جهان معاصر و برای نسل‌های آینده فصل جدیدی را در ترویج فرهنگ شهادت و تهییج عشق به شهادت، در بین مسلمانان ایران در جهان گشوده است. مطالعه در زندگینامه امام نشان می‌دهد که شهادت‌طلبی و توجه به آثار آن در تمام مراحل زندگیشان متجلی است. همچنین بررسی گفته‌ها و نکته‌ها و وصایای شهدا و رزمندگان دفاع مقدس بیانگر آموزه‌ها، دکترین و سنت امام خمینی (ره) است که الهام بخش‌ترین عامل و تأثیرگذارترین شعار، در پرورش روحیه‌ی ایثار و شهادت‌طلبی آنان محسوب می‌شود. در واقع اولین موضوع در بررسی موضوع شهادت‌طلبی از نظر امام خمینی (ره) تجلی این روحیه قول و سیره عملی ایشان است. شهامت، و از جان گذشتگی ایثار، صلابت و مجاهدت در راه خدا از ویژگی‌های بارز شخصیتی امام است. امام از ابتدای نهضت با افرادی مواجه بود که درک صحیحی از شهادت نداشتند و یا شهادت را مربوط به دوران خاصی می‌دانستند. اولین کار او در آغاز نهضت ۱۵ خرداد و نیز در استمرار آن و در حوادث خونین دیگر چون ۱۷ شهریور و سایر حوادث خونبار انقلاب اسلامی و نیز در دفاع مقدس تبیین فلسفهٔ جهاد و شهادت بود. عده‌ای با کنایه و گاه از روی دلسوزی به امام می‌گفتند چه کسی جواب این خونها را خواهد داد؟! ایشان فرمودند: همان کسی که جواب خون‌های شهدای صدر اسلام و شهیدان کربلا را دارد. یکی از مؤثرترین کارکردهای امام تقویت روحیهٔ جهاد و شهادت‌طلبی بود که شهادت مربوط به زمان خاصی از تاریخ و آرزوی شهادت فقط مربوط به مبارزان صدر اسلام نیست. کار کلیدی او تفسیر صحیح از مفهوم حدیث «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا» و دعای مشهور «یالیتنا کنا معکم فافوز فوزا عظیما» (ابن‌قولویه، ۱۳۷۷: ۷۰ و ۱۱۴). بود. او معتقد بود که آرزوی شهادت و دفاع از دین، فقط مختص زمان پیامبر (ص) و حضرت

علی (ع) و امام حسین (ع) نیست. همه باید عاشورایی باشند و از سالار شهیدان تاسی نمایند. ایشان با طرح شعار معروف «خون بر شمشیر پیروز است» فصل جدیدی را در ادبیات سیاسی و انقلابی معاصر گشود. و معتقد بود هر کس که این شعار را واقعا بپذیرد؛ روحیه‌ای پیدا می‌کند که از هیچ چیزی نمی‌هراسد تا به استقبال شهادت برود. از طرف دیگر عمل به تکلیف و فرع بودن نتیجه در منظر او ناشی از اعتقاد به «احدی الحسینین» بود. او معتقد بود که پیروزی در انقلاب و دفاع مقدس و یا شهادت هر دو پیروزی است و این راز عدم هراس از مرگ و رمز شهادت‌طلبی بشمار می‌آید. این مبانی گرانسنگ بستر ساز شریعت محمدی است که انسان را به سعادت و کمال دنیا و آخرت رهنمون می‌سازد.

روش پژوهش

روش این پژوهش برای بررسی تأثیر فرهنگ شهادت بر تداوم انقلاب اسلامی ایران با استفاده از منابع و آثار مرتبط با موضوع به شیوه توصیفی تحلیلی و بهره‌مندی از منابع کتابخانه‌ای انجام گرفته است. این موضوع از حیث کیفی و کمی، میدانی یا کتابخانه‌ای بودن، و نحوه گردآوری داده‌ها، نرم‌افزار تحلیل داده‌ها، محل انجام تحقیق، ماهیت تحقیق (توصیفی، تحلیلی بودن)، موضوع مورد کندوکاو قرار خواهد گرفت. در این تحقیقات پژوهشگر به دنبال چگونه مطرح کردن موضوع است و می‌خواهد بداند چنین پدیده اثرگذاری با این ویژگی‌ها و صفات چه کارکردی از جنبه بنیادی در جامعه دارد. در بُعد کاربردی از نتایج این تحقیقات در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها و همچنین برنامه‌ریزی‌ها به‌عنوان راهبرد استفاده می‌شود. این راهبرد تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در قلمرو کارگزاران جامعه، تأثیرگذار است. آگاهی بر رفتار انسان‌ها و شاخص‌سازی برای پیش‌بینی رفتار مؤثر آن‌ها ضرورت دارد. دستیابی به این عناصر و

تبیین وضع موجود و استوارسازی آینده بر پایه وضع موجود مستلزم تحقیقات توصیفی است تا بتوان آن را برای برنامه‌ریزی مهیا ساخت.

در این پژوهش «تحقیقات توصیفی - تحلیلی» پژوهشگر علاوه بر تشریح و تنویر اندیشه شهادت‌طلبی و فرهنگ شهادت در انقلاب اسلامی به چرایی وضعیت این پدیده و ابعاد متفاوت آن می‌پردازد. محقق برای تبیین و توجیه دلایل، نیاز به تکیه‌گاه استدلالی محکمی دارد. این مهم از طریق کندوکاو در مباحث نظری تحقیق و تدوین قضایای کلی موجود درباره آن فراهم می‌شود. درواقع با بررسی جزئیات موضوع پژوهش را با گزاره‌های کلی ارتباط می‌دهد سپس به نتیجه‌گیری خواهد پرداخت.

پیشینه پژوهش

البته کتاب‌ها و مقالات متعددی درخصوص انقلاب اسلامی و شهادت‌طلبی رزمندگان و انقلابیون از بهمن ۱۳۵۷ تاکنون به ویژه درباره دفاع مقدس و فرهنگ شهادت به چاپ رسیده و هزاران کتاب، سروده، خاطره، زندگینامه، رمان، داستان کوتاه و بلند و ... نوشته شده است. همچنین موارد مشابه زیادی در مورد ارزش جهاد و فرهنگ عاشورا نیز در جامعه ایران یافت می‌شود که شاید این آثار به جهت ویژگی و ماهیت انقلاب اسلامی تأثیرات فراوانی بر قشر جوان و با نشاط داشته باشد؛ اما چنین مقاله‌ای با توجه به پیشینه بیشمار آن «با این رویکرد» می‌تواند این پتانسیل کم‌نظیر را به‌عنوان تأثیرگذارترین راهبرد سیاسی - دفاعی کشور برای صیانت از مرزها و عزت و سربلندی جامعه اسلامی الگوسازی نماید.

شهادت‌طلبی در انقلاب اسلامی و دفاع مقدس

بدون شک ۱۵ خرداد ۴۲ آغاز فصل جدید نهضت ملت ایران و به‌تبع آن شکل‌گیری و تداوم انقلاب اسلامی ایران بدون تردید یکی از جلوه‌های ایثار و شهادت‌طلبی در قرون

اخیر است. مقاومت ملت مسلمان ایران در طول دوران انقلاب همواره با ایثار و فداکاری عجین بوده است.

بررسی شعارهای انقلاب اسلامی محرم ۱۳۴۲ تا محرم ۵۷ و پس از آن نشان می‌دهد که تأثیر حادثه کربلا و نهضت عاشورا در انقلاب اسلامی بسیار مشهود است. بی‌شک شعارهایی از قبیل: کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا، خون بر شمشیر پیروز است، نهضت ما حسینی است رهبر ما خمینی است، تا خون در رگ ماست خمینی رهبر ماست، و توپ، تانک، مسلسل دیگر اثر ندارد؛ نشانه اوج ازجان‌گذشتگی مردم مسلمان ایران است ایثار و شهادت‌طلبی در انقلاب اسلامی به صورت یک ارزش اجتماعی در بین بسیاری از افراد و به‌ویژه جوانان مطرح شده بود. در سایه انقلاب اسلامی و رهنمودهای رهبران انقلاب با الهام از تعالیم قرآن کریم نسلی پرورش یافته بودند که شهادت را سعادت می‌دانستند و آرزو می‌کردند در راه اهداف عالی انقلاب به درجه شهادت برسند. مقابله با مردان و زنان ازجان‌گذشته‌ای که غسل شهادت کرده و کفن می‌پوشیدند و به راهپیمایی می‌آمدند؛ برای حکومت پهلوی و حامیان آن امری سنگین بود. در عصری که سخن منسوب به نیچه که خدا را دیگر مرده می‌پنداشت و سخن منسوب به مارکس که دین را افیون توده‌ها می‌خواند، هنوز پرمشتری بود؛ ما شاهد یکی از بزرگ‌ترین انقلابات جهان آن‌هم با تأسی از فرمان خداوند و پیروی از کتاب و سنت و الهام از رهبران دینی و روشنفکران مذهبی بودیم (شاعری، ۱۳۸۱: ۳۸).

نقطه اوج و عظمت شهادت‌طلبی و جانبازی ملت مسلمان ایران در دفاع مقدس بود. ۸ سال جنگ تحمیلی شاهد صحنه‌های به‌یادماندنی فرهنگ جهاد و شهادت است. فرهنگی که در آن عرصه، شهیدان بزرگی چون چمران‌ها، فهمیده‌ها، بابایی‌ها،

شیرودی‌ها، کشوری‌ها، خرازی‌ها، باکری‌ها و هزاران شهید دیگر بودند که به ندای هل من ناصر ینصرنی (ابن طاووس، ۱۳۴۸: ۱۰۲) امام خود لبیک گفته بودند و برای دفاع از استقلال و آزادی و جمهوری اسلامی در مقابل هجوم رژیم اشغالگر بعث و حامیان داخلی و خارجی آن به میدان مبارزه آمدند. اگرچه ایثارگری در جنگ تحمیلی در بین تمام قشرهای اجتماعی و در سنین مختلف وجود داشت اما جلوه‌های حضور قهرمانانه بسیجیان در جبهه‌ها و شهادت‌طلبی آن‌ها در میدان رزم، از افتخارات تاریخ معاصر کشور ایران است. یکی از مهمترین ساختارهای دفاعی کشور بسیج مردمی است. بسیج از نهادها و «تجمعات داوطلبانه»‌ای بود که بعد از انقلاب اسلامی و به فرمان امام خمینی (ره) تشکیل شد و ارستگی، احساس مسئولیت در قبال مردم، هوشیاری، تعهد، صداقت، شجاعت و گذشت و از همه مهم‌تر آمادگی برای شهادت در راه خدا از اصول بدیهی بسیج بشمار می‌رفت. تفکر بسیجی در واقع جلوه آزادگی و اخلاص و دفاع از آرمان‌های اصیل انقلاب و اطاعت از ولایت محسوب می‌شد. با الهام از این روحیه، بسیاری از مبارزان و آزادمردان در اقصی نقاط جهان به مقابله با استکبار پرداختند تا آنجاکه ترویج این روحیه در بین مردم جهان زنگ خطری بزرگ برای مروجان فرهنگ استبدادی و استعماری بشمار آمد. در این عرصه جامعه‌شناسان و سیاستمداران نظام سلطه می‌کوشند تا به کنه و عظمت این روحیه پی ببرند. اینان کوشیده‌اند تحقیقات زیادی را برای شناخت و مهار حرکت‌های اسلامی‌ای که از نوع شهادت‌طلبانه بوده و ریشه در نهضت عاشورای حسینی دارند؛ به‌عمل آورند؛ اما همچنان که در شناخت فلسفه نهضت امام حسین (ع) دچار مشکل معرفتی هستند در شناخت انقلاب اسلامی و روحیه شهادت‌طلبی مردم مسلمان ایران نیز همچنان دچار تقلیل‌گرایی و ابهام هستند.

تأثیر آموزه‌های عاشورا در انقلاب اسلامی و دفاع مقدس و نیز روحیه شهادت‌طلبی و ازجان‌گذشتگی رزمندگان اسلام در جنگ تحمیلی در اعترافات نویسندگان، خبرنگاران، سیاستمداران و مفسران خارجی بسیار

مشهود است. جلوه‌های فرهنگ ایثار و شهادت‌طلبی را می‌توان با مروری بر وصیت‌نامه‌ها (که عصاره اندیشه‌ها و ارزش‌ها و انگیزه‌های شهیدان است) شعارها، پیشانی‌بندها، نام و رمز عملیات‌ها، گفت‌وگوی شب‌های عملیات، خاطرات و نامه‌های شهدا و رزمندگان اسلام، سخنان خانواده‌های شهدا، مجالس تشییع و بزرگداشت شهدا، سنگ‌های مزار شهدا، تابلوهای مناطق عملیاتی و نوحه‌ها، سرودها و اشعار و داستان‌ها و فیلم‌های مستند دفاع مقدس، سخنرانی‌ها و پیام‌های رهبران انقلاب و فرماندهان جنگ به‌وضوح یافت (شاعری، ۱۳۸۱: ۳۹-۳۸).

این روحیه شهادت‌طلبی که سلاحی کارآمد و بی‌همتا بود در دیدگاه‌های رهبران انقلاب اسلامی مشهودتر بود.

شهادت طلبی از دیدگاه امام خمینی (ره).

امام چون اولیاءالله همواره تمنای شهادت داشت حتی بعد از پذیرش صلح و قطعنامه نیز از این موضوع غافل نمی‌شود و در قسمتی از پیام تاریخی خود بعد از پذیرش قطعنامه می‌نویسد: امروز خمینی آغوش و سینه خودش را برای تیرهای بلا و حوادث سخت و در برابر همه توپ‌ها و موشک‌های دشمنان باز کرده است و همچون همه عاشقان شهادت برای درک شهادت روزشماری می‌کند. از نظر او شهادت‌طلبی دارای رمزی است که تا شناخته نشود؛ نمی‌تواند عامل حرکت و پیروزی جنبش‌ها شود. «ملت‌ها باید رمز را بفهمند که رمز پیروزی این است که شهادت را آرزو بکنند و برای حیات، حیات مادی، دنیای حیوانی ارزش قائل نباشند. این رمز است که ملت‌ها را می‌تواند پیش ببرد. این امری است که قرآن آورده است.

احاطه فوق‌العاده امام بر مسائل عرفانی، اجتماعی، علمی، سیاسی، انقلابی و دینی موجب تفسیر جامع شهادت‌طلبی از نظر ایشان شده است. تفسیر عرفانی او از شهادت، بسیار عمیق و دقیق است. در تعبیر عرفانی امام معمای شهادت با عشق قابل فهم است و شهدا در قهقهه مستانه‌شان و در شادی وصولشان «عند ربهم یرزقون» (آل‌عمران/ ۱۶۹) از نفوس مطمئنه‌ای هستند که مورد خطاب «فادخلی فی عبادی و ادخلی جنتی» (فجر: ۲۹ - ۳۰) پروردگارند.

امام به بازیافتن شهدا نزد خداوند و ضیافت مقام ربوی و ارتزاق نزد رب‌الارباب اشاره می‌کند. در جایی دیگر او به ضعف جهان‌بینی مادی نظام سرمایه‌داری و کمونیستی و پیروان آن‌ها و نیز کژاندیشی دیدگاه ناسیونالیستی و ملی‌گرایی افراطی در شناخت دقیق مقام و مفهوم شهادت اشاره می‌کند و می‌فرماید:

«اذناب آمریکا باید بدانند که شهادت در راه خدا مسئله‌ای نیست که بشود با پیروزی یا شکست در صحنه‌های نبرد مقایسه شود. مقام شهادت خود اوج بندگی و سیر و سلوک در عالم معنویت است. نباید شهادت را تا این اندازه به سقوط بکشانیم که بگوئیم در عوض شهادت فرزندان اسلام تنها خرمشهر و یا شهرهای دیگر آزاد شد» (امینی شهرستانی، ۱۳۸۸: ۳۴).

درک کامل انگیزه‌های شهادت‌طلبی از نظر امام، زمانی قابل فهم است که نگرش ایشان به حیات بعد از مرگ و معابر بررسی شود. از نظر او مرگ انتقال از دنیای فانی به دنیای باقی و رسیدن به نتایج اعمال است. و شهادت‌طلبی انتخاب بالاترین، زیباترین و آگاهانه‌ترین نوع مرگ است. امام انگیزه شهیدان را شوق لقاء دلدار می‌داند. از این منظر، این «عشق به محبوب حقیقی است که بالاترین انگیزه را برای شهید ایجاد می‌کند.» (صحیفه نور، ج ۱۸: ۲۲۹). درک انگیزه قرب و ارتزاق عندالله از نظر ایشان نه تنها برای انسان‌ها بلکه بسیاری از کروبیان غیرقابل حصول است. «ما خاکیان محبوب

یا افلاکیان چه دانیم که این ارتزاق عند ربهم شهدا چی است» (امینی شهرستانی، ۱۳۸۸: ۲۳). با توجه به موقعیت خاص انقلابی جامعه، امام از جان گذشتگی و گریز از نفع-طلبی و عافیت‌خواهی را لازمه یک انقلاب می‌داند. از نظر او:

«طبع یک انقلاب، فداکاری است، لازمه یک انقلاب، شهادت و مهیا بودن برای شهادت است. قربانی دادن در راه انقلاب و پیروزی و استمرار آن اجتناب‌ناپذیر است به‌ویژه انقلابی که برای خدا و نجات مستضعفان و قطع امید، جهانخواران و مستکبران است.» (صحیفه نور، ج ۲۵: ۵۹).

همچنین ایشان شهادت را زندگی افتخارآمیز و چراغ هدایت ملتها می‌داند. در موضوع **انگیزه‌های فردی:**

امام معتقد است که «شهدا در پی یک معامله تاجرانه و توام با سود با خداوند هستند.» (امینی شهرستانی، ۱۳۸۸: ۱۰۰). انگیزه‌های شهادت از نظر او فراتر از نیازهای اولیه حیات و در ردیف انگیزه‌های معنوی و فوق مادی هستند. «انگیزه شهادت طلبی رهایی از «من» و «ما» و رهایی از نیازهای اولیه طبیعی و دستیابی به گوهر گرانبهای عزت و شرف و ارزش‌های انسانی است» (صحیفه نور، ج ۱۵: ۵۱). و «رهایی از قیدها و بندهای خودبینی و خودخواهی است» (امینی شهرستانی، ۳۸۸: ۱۶).

شهادت از نظر او هنر مردان خدا و خط سرخ شهادت میراثی از خاندان نبوت و ولایت است و شهید به وجه‌الله نظر می‌کند و به لقاء‌الله می‌اندیشد و لذا شهید بدنبال مرگ فی سبیل الله است.

به‌طور خلاصه انگیزه شهادت‌طلبی را از نظر امام (ره) می‌توان به شرح ذیل برشمرد:

۱. نظر کردن به وجه‌الله و رسیدن به مقام فنای فی‌الله که مرتبه نهایی توحید عملی و عشق و ارادت به محبوب ازلی است که البته از ادراک انسان‌های عادی خارج است و مستلزم درجاتی از ادراک عرفانی است؛

۲. ادراک الهی و تقویت انقلاب و حکومت اسلامی؛
۳. انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر و اصلاح و هدایت جامعه و سالم‌سازی جامعه از ظلم، تبعیض، استثمار، استعمار و استبداد؛
۴. دفاع از عدالت و آزادگی و حق‌طلبی و فدا شدن برای ارزش‌های متعالی؛
۵. رهایی از هواهای نفسانی و خودبینی و ترک لذت‌های زودگذر دنیوی و توجه به لذت‌های معنوی و گزینش بهترین و شایسته‌ترین نوع مرگ برای رسیدن به حیات طیبه و زندگی جاویدان.
۶. ترویج حق و عدالت و تزریق روح حماسی در جامعه. ۷. دفع فتنه و رفع فساد» (شاعری، ۱۳۸۱: ۱۲۷).

مفهوم تداوم انقلاب:

همه انقلابات با تغییر رژیم همراه هستند و تغییر رژیم از مهم‌ترین تغییرات انقلابی است. انقلابی موفق است که بتواند ابتدا رژیم قدیمی را سرنگون کند و رژیم جدید را بنیان نهد و مرحله دوم که از نظر اهمیت دست کمی از مرحله دوم ندارد و در مواردی خیلی مهم‌تر از مرحله اول است، تداوم و حفظ رژیم انقلابی است؛ زیرا به دنبال هر انقلابی، عناصر ضد انقلاب که منافع آن‌ها با تغییر رژیم به خطر افتاده، به تکاپو می‌افتند و در تدارک هستند تا نگذارند رژیم جدید و انقلابی نوپا ریشه بدآوند و جایگاه خود را محکم کند و آن‌ها با هر ابزاری سعی می‌کنند بحران‌آفرینی کنند تا رژیم انقلابی نتواند به اهداف خود برسد. در نظر هانتینگتون:

هر انقلاب دو مرحله دارد، مرحله اول مرحله تحرک سیاسی (مشارکت سیاسی) است و مرحله دوم مرحله نهادمندی انقلاب است. جوهر سیاسی انقلاب، گسترش شتابان آگاهی سیاسی و تحرک سریع گروه‌های تازه به صحنه سیاست است. یک انقلاب کامل، مرحله دومی نیز دارد که

همان آفرینش و نهادمندی یک سامان سیاسی نوین است. یک انقلاب موفق، تحرک سیاسی سریع را با تحرک شتابان نهان‌مندی ترکیب می‌دهد. همه انقلاب‌ها نمی‌توانند سامان سیاسی نوینی را ایجاد کنند. معیار درجه انقلابی بودن یک انقلاب، گسترش اشتراک سیاسی است و معیار موفقیت یک انقلاب، اقتدار سیاسی و استوار نهادهایی است که خود انقلاب پدید می‌آورد (هانینگتون، ۱۳۷۵: ۳۸۸).

با این وجود انقلاب‌هایی رخ داده که نتوانسته‌اند؛ رژیم‌های بادوامی را خلق کنند و دچار شکست شده‌اند؛ بنابراین رژیم‌های انقلابی دو مسیر را طی کرده‌اند که در قالب دو الگوی زیر نشان داده می‌شود:

رژیم‌های انقلابی که توانسته‌اند برای مدتی (حداقل چهار دهه) در صحنه بین‌المللی حضوری فعال داشته باشند، مانند جمهوری اسلامی ایران، رژیم حاصل از انقلاب اکتبر روسیه و ...؛ و دوم: عدم تداوم رژیم‌های انقلابی، رژیم‌هایی که با کودتا، شورش و انقلاب دیگر مواجه شده و یا نظام سیاسی پیشین خود را باز تولید کرده‌اند مانند انقلاب مشروطه ایران که با کودتای آمریکایی شکست خورد و رژیم شاهنشاهی مجدداً توانست به حیات سیاسی خود ادامه دهد یا رژیم‌های حاصل از انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه، انقلاب ۱۶۴۰ انگلیس و ... حال این سؤال پیش می‌آید که چه عواملی یا چه مؤلفه‌هایی موجب گردید که انقلاب اسلامی ایران بتواند با وجود همه بحران‌های و تحریم‌های جهانی علیه آن، همچنان با اقتدار به حیات سیاسی خود ادامه دهد و نقش بسیاری مهمی در معادلات جهانی ایفاء کند.

درواقع جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک رژیم انقلابی توانسته به مدت چهار دهه (تاکنون) تداوم داشته باشد. این رژیم همچنین توانست مخالفان خود را حذف کند و بحران‌های زیادی را پشت سر بگذارد (کودتای نوژه، مسئله گروگان‌گیری و ماجرای طبس، جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، بروز پدیده داعش در بحران‌های عراق و سوریه

که عملاً جمهوری اسلامی ایران هدف اصلی از قدرت‌گیری داعش بوده، بحران‌های داخلی از جمله انتخابات سال ۱۳۸۸، تبلیغات رسانه‌ای و شکل‌گیری صدها کانال تلویزیونی معاند و سایت‌های اینترنتی وابسته با آن‌ها که همه با هزینه آمریکا و کشورهای دست‌نشانده آن با هدف ضربه زدن به انقلاب اسلامی، اغتشاشات خیابانی همانند اغتشاش به بهانه گران شدن بنزین و اقدام ناجوانمردانه اخیر (به شهادت رساندن سردار بزرگ اسلام، قاسم سلیمانی) و ... صدها توطئه و بحران‌هایی که دشمنان داخلی و خارجی تدارک دیدند تا بدان وسیله انقلاب اسلامی ایران را از مسیر اصلی خود منحرف و راه اصلی انقلاب را سد نمایند. ولی به همت مردم همیشه در صحنه و رهبری حکیمانه حضرت آیت‌الله عظمی خامنه‌ای باعث گردید که همه این بحران‌ها پشت سر گذاشته شود و تمامی توطئه‌های دشمنان نقش بر آب گردد و انقلاب همچنان به راه خود که تحقق آرمان‌های امام‌خمینی (ره) است؛ ادامه دهد.

کارکردهای فرهنگ شهادت در تداوم انقلاب:

شهادت، پاداش الهی در برابر جان مؤمنان است، شهادت، نعمت و هدیه خداست؛ این هدیه را آسان به کسی نمی‌دهند (بیانات رهبری در دیدار جمعی از اینثارگران و خانواده‌های شهدای استان کرمان، ۱۳۸۴/۲/۱۲). شهادت مرگ تاجرانه است، مرگ پرسود است (بیانات رهبری در جمع روحانیون شیعه و اهل سنت کرمانشاه، ۱۳۹۰/۷/۲۰). هر انسانی روزی از این دنیا می‌رود کلّ نفس ذائقه الموت اما سعادت این است که انسان با خدا تجارت کند و این جان را به خدا بفروشد و سود کند. انّ الله اشتری من المؤمنین انفسهم (سوره توبه، آیه ۱۱۱) «خداوند جان مؤمنان را در برابر اجر می‌خرد و همین، تجارت پُر سود است که شهدا را به سمت شهادت می‌کشاند. شهید می‌داند که در مکتب اسلام نه تنها خونس هدر رفتنی نیست؛ بلکه چنان اجری به او می‌دهند که بیشترین آثار را در هستی می‌گذارد. به ویژه آنکه خود شهید از مقام بالایی

برخوردار باشد. به همین دلیل آجر شهیدی مثل حسین بن علی (علیه السلام) که شهادت او قابل مقایسه با هیچ شهادتی نیست...، اجر همان چیزی است که خداوند در برابر خون شهید به او می‌دهد. همان آثار و برکات دنیایی است که قرآن فرمود «أَحْيَاءُ» و پاداش اخروی و مقام قرب الهی است که فرمود «عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (سوره آل عمران، آیه ۱۶۹).

زنده بودن شهید یعنی زندگی و رفتارها و باورهای او در این دنیا امتداد دارد و در زندگی ما تبلور دارد. اصولاً خاصیت طبیعی شهادت، ایجاد برکت و تداوم و گشایش در حرکت به سمت تعالی و کمال است. خون شهید ضایع نخواهد شد؛ شخصیت شهید که تبلور همان آرمان‌های او و آرزوهای اوست، از میان مردم رخت بر نخواهد بست (بیانات رهبری در دیدار رئیس و مسئولین قوه قضائیه، ۱۳۸۹/۷/۴).

تأثیر فرهنگ شهادت‌طلبی بر آگاهی بخشی جامعه و تداوم انقلاب اسلامی:

تجربه اثبات کرده در جایی که انقلاب در مسیر صحیح حرکت نموده و رو به قله‌های پیشرفت و عظمت داشته است؛ جریان‌ات ضد نظام کوشیده‌اند مسیر این رشد را مسدود سازند. آنان در خیال خام خود این‌گونه می‌اندیشند با شهید ساختن چهره‌های شاخص انقلاب می‌توانند قطار پیشرفت ایران اسلامی را متوقف سازند غافل از اینکه شهدا چراغ راه بازماندگان هستند و با درخشش خون خود، تاریکی را می‌زدایند و به جامعه نور و روشنایی می‌بخشند و این نورانیت ابزار هدایت راهروان انقلاب می‌گردد.

گاهی در جوامع انسانی یا بر اثر تبلیغات و یا بر اثر ناآگاهی، قدرت تشخیص و تمیز بین حق و باطل برای افراد مشکل می‌گردد. به طوری که «حق و باطل چنان به هم آمیخته‌اند که تمیز دادن و جدایی آن‌ها از یکدیگر محتاج به ایجاد سیل و موج قوی است تا لاشه‌ها را از درون دریای جامعه به بیرون پرتاب کند و گوهرها و مرجان‌ها و یاقوت‌ها را

در درون بپرورد. حق و باطل گاه مانند کف و آب هستند که تشخیص و جدائی آنان ساده است و گاه آنچنان به هم مخلوط شده‌اند که باید با حرکت‌های تند و پر حرارت از هم جدا شوند»

در چنین شرایطی شهادت، شجاعانه نقش جدا کردن و شناساندن و سرانجام رشد و نمو حق و نابودی باطل را به‌طور احسن و اکمل در جامعه ایفا می‌کند و با این اثر، اجتماع را از رکود و جمود و انزوا خارج می‌سازد و با تصفیه عمیق، پویائی و بالندگی و کمال جامعه را تضمین می‌کند. در اوایل انقلاب استکبار جهانی و معاندان داخلی‌اش با این خیال باطل که اگر افراد عالم و مؤثر در پیروزی انقلاب را به شهادت برسانند، می‌توانند از ناآگاهی افراد عامی جامعه استفاده کنند و قدرت را به دست بگیرند و با همین نیت روحانیون بزرگی چون شهید مطهری، شهید مدنی، شهید بهشتی، شهید دستغیب و ... را به شهادت رسانند، ولی غافل از اینکه این شخصیت‌های بزرگ با خون خود حقانیت اسلام و انقلاب را به مردم القاء نمودند و نه تنها شهادت آن‌ها کوچک‌ترین خللی در حرکت رو به جلوی انقلاب به وجود نیامد؛ بلکه راه انقلاب شفاف‌تر گردید و مرز بین حق و باطل روشن‌تر و تشخیص آن برای رهروان راه انقلاب راحت‌تر شد. چنانکه امام خمینی (ره) پس از این شهادت‌ها، خطاب به دشمنان انقلاب فرمودند:

«این رجل فاجری که خون عزیز ما را به زمین ریخت، تائید کرد دین خدا را؛ یعنی خدا دین خودش را به او تائید کرد. با ریختن خون عزیز ما، تائید شد انقلاب ما. این انقلاب باید زنده بماند، این نهضت باید زنده بماند، و زنده ماندنش به این خونریزی‌هاست. بریزید خون‌ها را؛ زندگی ما دوام پیدا می‌کند، بکشید ما را؛ ملت ما بیدارتر می‌شود. ما از مرگ نمی‌ترسیم؛ و شما هم از مرگ ما صرفه ندارید. دلیل عجز شماست که در سیاهی شب، متفکران ما را می‌کشید. برای اینکه منطبق ندارید. اگر

منطق داشتید که صحبت می‌کردید؛ مباحثه می‌کردید. لکن منطق ندارید، منطق شما ترور است...! نهضت ما زنده شد. تمام اقشار ایران، باز زندگی از سر گرفت. اگر یک سستی، ضعفی پیدا کرده بود، زنده شد. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۸۳).

پویایی بخشیدن به خود و جامعه شهید با خون خود در کالبد جامعه روح حرکت و حماسه می‌آفریند و جامعه را از سکون و رکود باز می‌دارد. زندگی ایثارگران سرشار از درس، برای بازماندگان است. حضور آنان در جامعه به جوانان روحیه، انگیزه و عشق به شهادت در راه وطن می‌بخشد. شهید مطهری می‌نویسد: بزرگ‌ترین خاصیت شهید حماسه‌آفرینی اوست. در ملت‌هایی که روح حماسه، به‌خصوص حماسه الهی می‌میرد، شهید آن حماسه مرده را از نو زنده می‌کند، لذا اسلام همیشه نیازمند به شهید است، حماسه‌های جدید و آفرینش‌های تازه (مطهری، ۱۳۶۷: ۱۰۴). از منظر مقام معظم رهبری هم مهم‌ترین نقطه قوت ما در قیام جمهوری اسلامی، نقطه قوت انسانی بود.

ما که نه سلاح داشتیم، نه پول داشتیم، نه سازمان‌دهی داشتیم، نه حزب داشتیم و نه پشتیبانی جهانی؛ ما ملت ایران در همه کشورهای دنیا یک نقطه را نداشتیم که از قیام، انقلاب و حرکت ما حمایت و دفاع کنند. آنچه این ملت را پیروز کرد، قدرت نیروی انسانی بود؛ یعنی آگاهی و ایستادگی. (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار خانواده معظم شهدا، جانبازان و آزادگان استان همدان ۱۳۸۳/۴/۱۶).

تأثیر فرهنگ شهادت‌طلبی بر وحدت و همدلی مردم و مسئولان:

یکی از حربه‌های جدی که در خط اجرایی رسانه‌های غرب و معاند علیه انقلاب اسلامی بکار گرفته می‌شود؛ تردید و تفرقه‌افکنی در بین مردم است. این رسانه‌ها از انواع لطایف‌الحیل استفاده می‌کنند تا ذهن مردم را نسبت به واقعیت‌ها مغشوش سازند

و اعتماد آن‌ها نسبت به مسئولین کشور و رسانه‌های داخلی را سلب نمایند. غرب می‌کوشد تا به جوانان این‌گونه القا کند که خواسته‌های نظام و مسئولین از یکدیگر جدا هستند. آنان با متهم ساختن سران نظام به فساد، رشوه و لذت‌گرایی می‌کوشند انگیزه فداکاری در میان افراد جامعه را پایین آوردند. رهبران آمریکا پیوسته در تلاشند تا به مردم این‌گونه وانمود سازند که آن‌ها قصد تحت فشار قرار دادن ملت را ندارند. این دشمنان حتی در پیام تبریک خویش به مناسبت نوروز و سایر اعیاد اسلامی پیوسته حساب ملت را از مسئولین جدا و سعی می‌کنند بین آن‌ها فاصله‌ای بیفکنند (تبریک عید نوروز www.hamseda.ir).

رسانه‌های غربی با جعل اخبار، وارونه سازی واقعیت، تحریف و غیره می‌کوشند تا بذر تردید و نفاق را در ذهن مردم بکارند. تأثیر این حربه به مراتب جدی‌تر و شدیدتر از زخم سلاح جنگی است. ذهنی که در معرض این حربه مخرب قرار گرفت به آسانی تغییر نخواهد کرد. دشمن نقطه تمرکز خود را بر روی جوانان قرار داده است و سعی است تا مفاهیم جهاد و شهادت را در بین جوانان کم رنگ سازد. این برنامه‌ای است که از سال ۲۰۰۲ و پس از حمله به افغانستان در پیش گرفته شد. در افغانستان و عراق آمریکا سعی کرد تا مفهوم جهاد را از کلیه کتاب‌های درسی دانش آموزان و دانشگاهیان حذف کند. به گفته مقامات آمریکایی این مفاهیم قدرت ایستادگی در برابر نیروهای خارجی را در آنان تقویت می‌کرد. پس حذف آن می‌تواند نقش مؤثری در بقای بیشتر سربازان خارجی در این کشورها و دنبال نمودن اهداف دولت‌هایشان داشته باشد. برای این کار باید پیش از هر کار ذهن جوانان را معشوش ساخت. آنچه در مورد این سرمایه‌های ایرانی دنبال می‌شود؛ این است که ارزش جهاد و شهادت در نظر او پایین آید. برای این کار در ابتدا مفهومی با نام آخرت و معاد را زیر سؤال می‌برند و مورد تردید قرار می‌دهند. بدین ترتیب جوان در برابر ایثار و فداکاری، زمان یا موعدی برای دریافت پاداش یا عمل به وظیفه خود نخواهد داشت. در تبلیغات دشمن این‌گونه

وانمود می‌شود که همه چیز در لذت بردن از دنیا خلاصه می‌شود. نظام لیبرالیسم که بر پایه مادی‌گرایی و انسان‌گرایی خلاصه می‌شود؛ تلاش می‌کند فرهنگ خویش را از طریق رسانه، موسیقی، کتاب، هنر و... به جامعه هدف منتقل کند. بی‌هویت شدن یک جوان و خالی شدن از اعتقادات دینی فرصت بی‌نظیری پیش روی دشمن قرار می‌دهد تا طرح‌ها و برنامه‌های خویش در خصوص ایران را دنبال نماید. در این شرایط تنها راه مبارزه با تهاجم فرهنگی دشمن، مسلح کردن جوانان به سلاح ایمان و تکیه آنان بر فرهنگ غنی ایرانی - اسلامی به‌خصوص فرهنگ ایثار و شهادت است. ترویج فرهنگ شهادت و ایثار همان ترویج فرهنگ امام‌حسین (ع) است که اگر از خودگذشتگی شهدا و جانبازان در طول عمر انقلاب نبود؛ وضعیت کشور به‌گونه‌ای دیگر رقم می‌خورد؛ زیرا با تشییع هر شهید و قرائت وصیت‌نامه آن‌ها، که صحبت اطاعت از ولایت فقیه و حمایت از انقلاب اسلامی محتوای تمامی آن وصیت‌نامه‌ها بوده است؛ جوانان این مرزوبوم که عشق و علاقه وافری به شهید و شهادت داشتند؛ پیام شهید را از جان و دل گوش می‌کردند و به آن عمل می‌نمودند و همین عمل به وصیت و پیام شهدا، به‌عنوان نیرویی محکم از انقلاب و اسلام دفاع می‌نمود همچنان‌که تاکنون موجب تداوم و پایداری انقلاب اسلامی گردیده است.

شهادت و جریان‌سازی و تأثیر آن بر تداوم انقلاب اسلامی:

به گواهی تاریخ تأثیرات مادی و معنوی شهادت، غوغایی در عالم به پا می‌کند. در اجر شهادت امام حسین (ع) همین بس که تمام خوبی‌ها، سعادت‌ها، شورها و شعورها و بیداری‌ها، از خون او سرچشمه می‌گیرد. این همان باوری است که دلدادگان مکتب مقاومت را امید می‌دهد و حضرت زینب (س) را به مقاومت در مکتب خود وا می‌دارد. تبلور مقاومت آنجایی است که ابن‌زیاد قصد دارد با یادآوری شهادت امام‌حسین (ع)، غم و غصه را بر پیام‌آوران مکتب حسینی غلبه دهد، آنان را به سازش واداشته و از ادامه

مسیر باز دارد و دوران آن‌ها را تمام شده بدانند، حضرت زینب (س) می‌فرماید «مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلاً» من جز زیبایی چیزی ندیدم «هُؤُلَاءِ قَوْمٌ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْقَتْلَ فَبَرَزُوا إِلَيَّ مَضْاجِعَهُمْ». (بحار الأنوار، ج ۴۵: ۱۱۶).

این پیام شهیدان است که شهادت را نه یک خسارت و زیان، بلکه بالاترین سود در دنیا می‌داند. سودی که آثار آن سراسر دنیا را فرا خواهد گرفت. در باور شهیدان، شهادت مردان بزرگ برای مردم جامعه اسلامی نه تنها خمودآور نیست؛ بلکه یک نقش برانگیزاننده برای نظام اجتماعی مسلمانان دارد (بیانات رهبری در دیدار خانواده‌های شهدای هفتم تیر و جمعی از خانواده‌های شهدای استان تهران، ۱۳۹۴/۶/۴)

شهیدان برای این شهید می‌شوند که کشته شدن در راه خدا، ریختن خون مظلومان در راه خدا، این اثر قهری و طبیعی را دارد که با خود دستاوردهائی را به امت اسلامی، به ملت‌های مسلمان، به تاریخ اسلام تقدیم می‌کند. (بیانات رهبری در دیدار مسئولان و کارکنان قوه قضائیه، ۱۳۹۲/۴/۵)

و این همان اجری است که خداوند به شهید و خون او می‌دهد. همانند تأثیر شهادت سردار رشید اسلام سپهبد قاسم سلیمانی بر پایداری و تداوم انقلاب اسلامی آمریکا هرگز تصور نمی‌کرد شهادت سردار سلیمانی به این اندازه به ضررش تمام شود. شهادت این سرباز ولایت مانند بودنش نیز برکات زیادی داشت و با ایجاد اتحاد و همدلی موجب رشد و تقویت روحیه همگرایی و هم‌آوایی بین مردم و مسئولان گردید و این اتفاق در وضعیتی بسیار بحرانی به وجود آمد، زیرا مردم از یک‌سو زیر بار گرانی و تورم کمر خم کرده بودند و از سوی دیگر با افزایش سه برابری بنزین، شوکی منفی بر بازار ایجاد نمود و موجب ملتهب شدن مضاعف بازار گردید. رسانه‌های دشمن نیز با متشنج کردن اوضاع سعی در کشاندن مردم به خیابان‌ها داشتند و به همین منظور عده‌ای

دست‌نشانده‌های خود را به نام مردم وارد خیابان‌ها کردند و از سویی بسیاری از جوانان هیجان‌طلب و احساسی نیز فریب شعارهای دشمن را خورده و با دست‌نشانده‌های استکبار و گروه‌های معاند همراهی کرده و به خیابان‌ها آمدند و با تخریب و آتش زدن زیرساخت‌های کشور به خواسته‌های دشمن کمک کردند. اما در چنین جو ملتهبی، شهادت سردار سلیمانی اتفاق می‌افتد و امریکا خیال می‌کند در این شرایط که جو داخلی کشور ملتهب است، بهترین زمان برای به شهادت رساندن جدی‌ترین دشمن طرح و برنامه‌های آمریکا در جهان اسلام است. ولی غافل از اینکه در بدترین شرایط ممکن، نه تنها مردم ایران به شهدای خود پشت نمی‌کنند؛ بلکه با صفوفی منسجم‌تر، در راه آرمان‌های شهدا قدم برمی‌دارند و همین امر باعث شد که تغییر بسیار مهمی در داخل کشور به وجود آمد. در واقع اتحاد و همدلی کم‌سابقه‌ای در میان گروه‌های سیاسی و همچنین مردم و کارگزاران کشور به وجود آمد و می‌توان گفت به برکت خون سردار سلیمانی این آزرده‌گی‌ها، کدورت‌ها و ناملایماتی که در بین بخشی از مردم کشورمان بود؛ ترمیم گردید و فرصتی دوباره به مسئولان داد تا با الهام از رفتار و منش سردار سلیمانی، به این موضوع توجه کنند که چرا در چنین شرایط بحرانی که مردم نارضایتی خود را از مسئله گرانی بنزین ابراز می‌کردند؛ اما با این اتفاق همه کمبودها و گرانی‌ها را رها کرده و در صفوفی یکپارچه عشق و علاقه خود را به سردار دل‌ها نشان دادند و این مسئله می‌تواند برای دیگر دولتمردان نیز فرصتی باشد تا با الگوگیری از منش و رفتار سردار سلیمانی، عملکرد تأثیرگذاری به نفع انقلاب و اسلام داشته باشند. و در این صورت مردم با جان‌ودل از دستاوردهای انقلاب دفاع می‌کنند و در صورت نیاز جان خود را نیز فدا خواهند کرد و این روحیه می‌تواند موجب تداوم و پایداری انقلاب اسلامی گردد.

❖ تأثیر پیام خون شهیدان بر هوشیاری مردم و مسئولان:

بزرگ‌ترین کارکرد خون شهید، همان پیام شهادت است. پیام شهدا این است: «فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» آنان از این شهادت خوشحال‌اند. «وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِ هَمٌ مِنْ خَلْفِهِمْ» به همه مردمی که در مسیر مبارزه با دشمن هستند این بشارت را می‌دهد که «أَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (آل عمران: ۱۷۰). راه این است. راه را درست رفتند، صحیح رفتند، درست حرکت کردند. (آل عمران: ۱۷۰). و در این راه نه بیم هست، نه اندوه هست؛ هرچه هست بهجت است، ابتهاج است، نشاط است، روحیه است، امید است. (بیانات رهبری در دیدار خانواده‌های شهدای هفتم تیر و جمعی از خانواده‌های شهدای استان تهران، ۱۳۹۴/۴/۶). بزرگ‌ترین اجر و برکت خون شهید، این است که آنانی که باقی مانده‌اند و در حال مبارزه و مقاومت هستند، از این مسیر خسته نمی‌شوند، مبارزه و مقاومت را ادامه می‌دهند و خون شهید را ضایع نمی‌کنند. امروز، به فضل همین شهادت‌ها و به برکت خون شهدا، ملت ما، ملت سربلند و آبرومندی است و ملت‌ها آبرو و عزت را این‌گونه باید پیدا کنند. (بیانات رهبری در دیدار فرزندان ممتاز شهدا و مسئولین امور فرهنگی بنیاد شهید، ۱۳۶۸/۵/۲۵).

ضایع نشدن خون شهید و حفظ آن به این است که باور کنیم؛ شهدا زنده‌اند. باور کنیم اعمال من و شما را می‌بینند. آن وقتی که پای ما به سنگی بخورد، آن وقتی که نتوانیم خودمان را درست هدایت کنیم، اداره کنیم، زمین بخوریم، آن‌ها نگران می‌شوند. آن وقتی که می‌فهمیم، می‌بینیم، محکم قدم برمی‌داریم، راه را مستقیم حرکت می‌کنیم، به هدف نزدیک می‌شویم، آن‌ها خوشحال می‌شوند. آن وقتی که ملت ایران در یک

عرصه‌ای پیروز می‌شود، آن ارواح طیبه به احتیاط در می‌آیند. آن وقتی که خدای نکرده بر اثر غفلت ما، کوتاهی ما، ملت عقب بماند، مشکل اساسی و عمومی پیدا کند؛ آن‌ها نگران می‌شوند. (بیانات رهبری در دیدار جمعی از مردم و خانواده شهدا و ایثارگران، ۱۳۹۰/۱۲/۱۰).

در این صورت است که خون شهید مانند کیمیا و اکسیری، جهان را متحول می‌کند، انسان‌ها را رشد می‌دهد و به سعادت می‌رساند.

در مقابل پیام شهیدان، شیاطین پیام دیگری دارند «إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ» پیام شیاطین این است: «يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ» پیام ناامیدی از ادامه راه، ناامیدی از مقاومت. این را همه باید بدانند آن که شما را وادار می‌کند که بترسید، مأیوس بشوید، ناامید بشوید، او شیطان است. امروز این شیطان‌ها از طریق رادیو و تلویزیون و فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی و امثال اینها مرتب مشغول کارند برای اینکه بترسید. نه، نترسید «لَا تَخَافُوهُمْ» از آن‌ها نترسید؛ از انحراف از راه خدا بترسید «وَوَخَّافُونَ». (آل عمران: ۱۱۷۵). که اگر چنانچه از راه مستقیم انحراف پیدا کردیم، سرنوشت ما سرنوشت کشورهای است که زیر بال آمریکایند (بیانات رهبری در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش، ۱۳۹۷/۱۱/۱۹).

شیاطین می‌خواهند پیام شهدا را وارونه جلوه دهند. آنان، مردان بزرگ ما را به شهادت می‌رسانند تا به ما بگویند اندوهگین باشید، بترسید، ناامید شوید. ما را به ترک میدان و سازش وادار کنند، اما پیام شهدا نقطه مقابل این است «أَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» خوف و حزن برداشته است

در میدان شهادت» (بیانات رهبری در دیدار دست‌اندرکاران کنگره بزرگداشت شهدای استان کرمان، ۱۳۹۷/۱۲/۶).

دشمنان ما را از شهادت می‌ترسانند و می‌خواهند از آن‌ها بترسیم. دائم می‌گویند «إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ» کشورها علیه ما اجماع جهانی کرده‌اند، از آن‌ها بترسیم! اما پاسخ قرآن یک چیز است «فَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ» خدا با ماست. وقتی باور داشتیم خدا با ما است، نتیجه این احساس، این درک، این حقیقت روحی و معنوی این است که «فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَمْ يَمْسَسْهُمْ سُوءٌ» (سوره آل عمران، آیه ۱۷۴). هیچ‌کدام از آن جامعه جهانی هیچ بدی و آسیبی به ما نمی‌توانند برسانند.

البته باور داشته باشیم که کشته شدن در راه خدا، «سوء» نیست. معنای «لم یمسسهم سوء» این نیست که یک سیلی هم به ما نخواهد خورد؛ چرا، سیلی هم می‌خورد؛ بالاتر از سیلی هم می‌خورد؛ منتها این «سوء» نیست. با معیار الهی که نگاه کنید: «لم یمسسهم سوء»؛ اما با معیارهای مادی بشری که نگاه کنید، همه‌اش «سوء» است. خدای متعال با معیارهای خودش حرف می‌زند؛ با معیار محدود ما مادی دل‌ها و مادی ذهن‌ها که حرف نمی‌زند.» (بیانات رهبری در دیدار مسئولین سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰/۱۲/۵).

تأثیر فرهنگ ایثار و شهادت در مقابله با تهاجم فرهنگی و تداوم انقلاب:

دشمنان و عوامل آن‌ها که از تحمیل جنگ سخت و تهاجم نظامی به سرحدات کشور مأیوس شدند از طریق جنگ تهاجمی خاموش؛ اما گسترده (تهاجم فرهنگی) تمام

تلاش خود را برای نابودی پایه‌های اعتقادی و تغییر فرم فرهنگ جوانان و نوجوانان با هویت اسلامی، انقلابی و ملی‌شان بکار گرفتند.

فرهنگ و ارزش‌های معنوی دژ حیاتی یک ملت هستند، اگر دروازه‌های این دژ بر روی بیگانگان باز شود و به تصرف معیارها و هنجارهای دیگران درآید، آن ملت ناخودآگاه پاسدار منافع مهاجمان پنهان فرهنگی می‌شود و با شیفتگی خود به فرهنگ غرب، زمینه‌ساز بروز مخالفت‌ها و نارضایتی‌های آن‌ها به وضعیت موجود می‌گردد و با توجه به اینکه هرگونه نارضایتی و کم‌توجهی جوانان به اسلام و انقلاب اسلامی می‌تواند ریشه‌های این درخت تنومند را ضعیف کند و در مقابل طوفان‌ها و عواملی بیرونی با سستی روبرو سازد؛ اما ضعف در ریشه‌های انقلاب، می‌تواند به تداوم و پایداری آن لطمه بزند، در نتیجه باید از بروز چنین شرایطی جلوگیری کرد. یکی از مهم‌ترین راه‌های جلوگیری از نفوذ فرهنگ غرب در بین جوانان و یا به عبارتی جلوگیری از تهاجم فرهنگی، اتکاء به فرهنگ ایثار و شهادت است. فرهنگ ایثار و شهادت با اثرگذاری بر فضای فکری و ذهنی جوانان باعث می‌شود دو نسل قدیم و جدید درک مشترکی از جامعه و فلسفه زندگی پیدا نمایند. هر چند ممکن است مناسبات آشکار نباشد، ولی در دراز مدت اثر مشهود خواهد داشت. در واقع آثار فرهنگی ایثار و شهادت در بین نسل جوان از طریق اسطوره‌سازی می‌تواند به نسل امروز بیاموزد که برای تعیین مسیر زندگی خود از میان الگوهای متعدد، الگوهای جذاب را سرمشق قرار دهند. ذخایر ارزشمندی که شهدای گرانقدر و ایثارگران ایران اسلامی برای ملت و نسل‌های آینده به ارمغان آورده‌اند؛ چشمه جوشان و فیاضی است که چنانچه به همان خلوصی که تبلور یافتند؛ اشاعه و انتقال داده شوند.

تا حیات معنوی جامعه را همچون فرهنگ عاشورای حسینی، برای همیشه به خیر و رستگاری رهنمون سازند. اگر فرهنگ ایثار و شهادت را به معنای واقعی آن در جامعه پیاده کنیم؛ نسل جوان هویت واقعی خود را شناخته و متوجه خواهند شد که امنیت و آزادی خود را مرهون خون شهدا هستند، در آن صورت خود جوانان بهترین حافظان خون شهدا می‌شوند پس در مقابله با آنچه امروزه به‌عنوان تهاجم فرهنگی یا جنگ نرم نامیده می‌شود؛ نیازمند یک فرهنگ غنی و عمیق هستیم که موجب کرامت انسان‌ها شود و آن‌ها را از سقوط حفظ نماید. (سعیدمنش و الهی، ۱۳۸۹: ۱۸۹).

فرهنگ ایثار و شهادت متضمن برکاتی است که جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد و به‌عنوان یکی گنجینه‌های فرهنگ اسلامی است که توانسته عجیب‌ترین صحنه‌های از خودگذشتگی را به نمایش درآورد. این فرهنگ و نیز روحیه بالنده جهاد، امروزه به‌عنوان پشتوانه عظیم حراست از کیان اسلام، انقلاب کشور و نظام باشد و در زمره عالی‌ترین مفاهیم الهی و حاصل متعالی‌ترین ارزش‌هایی است که یک انسان می‌تواند کسب کند، این مفاهیم اثرگذار و تعالی‌بخش می‌تواند فرهنگ یک جامعه را به‌غایت تحت تأثیر قرار دهد و والاترین برکات را به آن ببخشد. پیام و آرمان شهدا به دلیل عظمت مرتبه‌ای که شهدا به آن دست‌یافته‌اند، عالی‌ترین پیام‌هایی است که به انسان می‌رسد و چون از نهاد انسان‌های والامقامی برخاسته است؛ قابل تحسین و تقدیر است.

فرهنگ شهادت‌طلبی و تقویت روحیه صبر و استقامت جامعه

از آنجا که مجاهدت و شهادت در راه خدا، مستلزم تحمل مشقات و مصائب فراوان است پس مؤمنینی که حقیقت ایمان در قلبشان رسوخ کرده و با نور آن راه می‌یابند،

بالاترین صبر و پایداری را در مصائب و پیشامدها از خود به ظهور می‌رسانند تا آنجا که خداوند می‌فرماید: «انما یوفی الصابرون اجرهم بغير حساب» (زمر: ۱۰)

از پیامبر اکرم (ص) روایت شده است که صبر نصف ایمان است و می‌فرماید: از جمله چیزهایی که بسیار کم به شما داده شده، صبر و یقین است، و هر کس از این دو بهره‌مند شده باشد باکش نباشد که قیام و صیام روز از دستش می‌رود و این همان تجلی ایثار و گذشت است؛ زیرا ایثار از یک خواست قلبی بر می‌خیزد و متجلی می‌شود و هیچ عاملی آن را برای ظهور تحت اجبار قرار نمی‌دهد، جز همان میل و اراده و عشق و علاقه شخص، اما تکلیف ممکن است چنین نباشد به مناسبت یک مسئله اعتباری شخص خود را مکلف به انجام آن بداند؛ بنابراین هر حرکتی خدایی نیاز به ایثار دارد و تا ایثار و فداکاری که تجلی، والاترین حالات روح و ایمان است؛ نباشد، حرکت‌های خدایی و ناب صورت نمی‌گیرد. (چراغی و اسلام پناه، ۱۳۸۹: ۱۰۳).

بالا بردن صبر و تحمل در جامعه یکی از دیگر ویژگی‌هایی است که به برکت خون شهدا در بین مردم به وجود آمده و همین ویژگی ارزشمند موجب تداوم و پایداری انقلاب اسلامی گردیده است. و این فرصت را به مسئولین می‌دهد که بر مشکلات جامعه فائق آیند؛ زیرا اگر این صبر و تحمل نبود با اولین گرفتاری‌ها و بروز مشکلات و مصائب، مردم سرخورده و ناامید می‌شدند و بافاصله گرفتن از انقلاب، زمینه را برای عملی کردن نقشه‌های دشمنان مهیا می‌کردند. ولی ماندن در صحنه‌های سیاسی (مانند انتخابات، مناسبت‌ها و مراسم بزرگداشت بیست و دوم بهمن، شرکت در نمازهای جمعه و جماعات، شرکت در راهپیمایی‌های متعدد مانند سیزده آبان و ... نشان دادند که حاضرند به پاس خون شهدایی که جان خود را فدا کرده‌اند تا این درخت انقلاب همچنان پایدار و تنومند باقی بماند؛ مردم نیز با تحمل سختی‌ها و مصائب فرصت کافی

به کارگزاران بدهند تا به جهت رفع مشکلات و مصائب موجود در جامعه، ملت ایران به همان جامعه آرمانی که شهدا و جانبازان انقلاب به آن پایبند بودند؛ برسند.

بحث و نتیجه‌گیری

با نگاهی به دستاوردهای انقلاب اسلامی می‌توان گفت که دستاورد اساسی حضرت امام خمینی (ره) همانا احیاء اسلام ناب محمدی (ص) بوده که مهم‌ترین ویژگی آن احیاء فرهنگ شهادت و ایثارگری بود. بنابراین موضوع شهادت و ایثارگری سکه پربهایی است که یک روی آن والاترین ارزش‌های الهی حک شده است و در روی دیگر آن دستاوردها و آثار و برکات بی‌بدیل مشاهده می‌شود. چرا که شهادت زیباترین و مقدس‌ترین واژه‌ای است که دارای بار غنی، محتوای وسیع و فرهنگی گسترده است که هر حرف آن بیانگر حضور، نظارت، آگاهی، دقت، انتخاب، بصیرت، روشنگری، تسلیم، رضا، توکل، ایثار، تقوی، عبودیت و ایمان است. حال در عصر انفجار اطلاعات و در دوره‌ای که مرزهای جغرافیایی، معنا و مفهوم پیشین خود را در ساختار جدیدی از علم و آگاهی و تحول مبنایی در حیات بشری، رفته‌رفته از دست می‌دهند و اقتدار ملی هر کشور در بعد فرهنگی آن جلوه و ظهور می‌یابد؛ پاسداری از ارزش‌های فرهنگی، رویکردی واقع‌بینانه و استراتژیک است. و تکریم و تعظیم شهیدان در برافراشتن پرچم‌های سرخ استقلال و آزادی بشریت، از یوغ ذلت و اسارت گام بلند و مقدسی است در راستای احیای ارزش‌های مکتب توحید و عدالت؛ زیرا که شهادت، مرگ در راه ارزش‌هاست و هر شهید، مشعلی است که در بلندای عزت و سرافرازی یک ملت، جاودانه می‌درخشد. در نتیجه فرهنگ شهیدپروری و اندیشه‌پاسداری از خون شهیدان موجب می‌گردد که رهبری انقلاب در قبال خون شهیدانی که این انقلاب را آبیاری کرده‌اند؛ مسئولیت بپذیرد و به حرمت خون شهیدان اجازه ندهد عده‌ای با سازش و کوتاه‌فکری، این انقلاب را از مسیر اصلی خود منحرف سازند در واقع ایشان با بصیرت و روشنگری جریانات فکری مختلف را رصد می‌کند و اجازه نمی‌دهد؛ خائنان به

انقلاب، در تصمیم‌گیری‌های سیاسی نفوذ پیدا کنند و انقلاب را به بیراهه ببرند. و از سویی مردم نیز که به وصیت‌نامه‌های شهدا واقف هستند تلاش دارند پیام شهیدان را به گوش جهانیان برسانند. و از آنجایی که همیشه در صحنه هستند؛ اگر متوجه شوند که مسئولی از خط سرخ شهیدان تخطی کرده است با ورود به صحنه اجازه نمی‌دهند که خون شهیدان ملت به هدر رود و انقلاب از مسیر اصلی خود که خط ولایت و رهبری است منحرف گردد. به بیان دیگر فرهنگ شهیدپروری با ایجاد اتحاد و همدلی بین مردم و مسئولین موجب می‌شود که راه شهیدان ادامه پیدا کند و مردم در مواقع کمبودها و نارسایی‌ها تحمل کنند و کارگزاران نیز در مواقعی که بار فشار بر مردم زیاد می‌شود با راهکارهایی درصدد کاهش این بار باشند و اجازه ندهند دشمنان بین ملت و دولت فاصله ایجاد کنند. بنابراین وحدت کلمه و احساس مسئولیت همگانی در پاسداری از خون شهیدان و ادامه دادن راه شهیدان مهم‌ترین مؤلفه‌هایی است که باید مورد توجه عموم افراد جامعه قرار گیرد زیرا فرهنگ ایثار و شهادت موجبات تداوم انقلاب اسلامی را فراهم نموده است و این انسجام ملی چنین دستاوردی را پایدار و با ثبات می‌نماید.

و سرانجام اینکه بقای انقلاب به‌خاطر خون شهیدان است درواقع شهادت است که پای ماندگاری و پایداری و بقاء ارزش‌ها را امضاء می‌کند. بزرگ‌ترین اجری که در این دنیا به شهید داده می‌شود، بقاء و استحکام آن حقیقتی است که شهید جان خود را برای آن حقیقت فدا کرده است. خدای متعال آن حقیقت را به برکت خون شهید حفظ می‌کند. سازوکار منطقی و عقلانی این هم معلوم است؛ وقتی یک جامعه‌ای از جان خود، از هستی خود، از راحتی خود، برای یک ارزشی، یک حقیقتی می‌گذرد، حقانیت خود را در دنیا به اثبات می‌رساند؛ و حقانیت است که می‌ماند، حق است که باقی می‌ماند؛ این سنت الهی است. (بیانات رهبری در دیدار خانواده‌های شهدا و ایثارگران استان خراسان شمالی، ۹۱/۷/۲۲)

و حقیقتی که ما باید بدان افتخار کنیم، این است که رسم شهادت و سنت الهی قتل فی سبیل اللّٰه، با نظام اسلامی زنده شد؛ و حرف آخر این که ابهت و اقتدار معنوی امروز نظام اسلامی و ملت مسلمان در دنیا و در چشم قدرت‌های شیطانی، ناشی از همین شهادت‌ها است (بیانات رهبری در دیدار فرزندان ممتاز شهدا و امور فرهنگی بنیاد شهید، ۱۳۶۸ / ۵ / ۲۵). توطئه‌ها از سوی دشمن و عزم راسخ از سوی ملت ما همچنان ادامه دارد. (بیانات رهبری در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی، ۱۳۹۰ / ۶ / ۲۶) و الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ (اعراف: ۱۲۸) پیروزی از آن متقین است.

منابع و ماخذ

قرآن کریم

- ابن خلدون، مقدمه ابن خلدون (۱۳۹۳). ترجمه پروین گنابادی، تهران: یازدهم، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- ابن قولویه (۱۳۷۷). ترجمه کامل الزیارات؛ مترجم سیدمحمدجواد ذهنی، تهرانی، تهران: نشر پیام حق.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۴۸). *اللهوف علی قتلی الطفوف*؛ چاپ اول، تهران: انتشارات جهان.
- آرون، ریمون (۱۳۹۳). *مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی*؛ ترجمه باقر پرهام، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- امام خمینی (ره)، روح‌الله (۱۳۸۸). *صحیفه نور*؛ تهران: نشر موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- امینی شهرستانی، غلامعلی (۱۳۸۸). *بوستان شهادت*؛ چاپ هشتم، انتشارات عروج اندیشه.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۹۸). *تفسیر نهج البلاغه*؛ تدوین و تنظیم دکتر عبدالله نصری، نشر دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- چراغی، نسرین و اسلام پناه، مریم (۱۳۸۹). *تأثیر فرهنگ ایثار و شهادت در گسترش اخلاق و معنویت در جامعه*؛ همایش ملی ایثار و شهادت و توسعه کشور، ۱۲ آذر ۱۳۸۹، دانشگاه رازی همدان.
- سعید منش، نصرت ا... و الهی، فروزان (۱۳۸۹). *آثار و پیامدهای فرهنگی ایثار و شهادت در مقابل تهاجم فرهنگی*؛ همایش ملی ایثار و شهادت و توسعه کشور، ۱۲ آبان ماه ۱۳۸۹، دانشگاه رازی.
- شاعری، محمدحسین (۱۳۸۱). *جامعه‌شناسی شهادت‌طلبی و انگیزه‌های شهیدان*؛ تهران: بنیاد شهید انقلاب اسلامی، معاونت پژوهش و تبلیغات، نشر شاهد.
- شریعتی، علی (۱۳۹۲). *شیعه*؛ تهران: بنیاد فرهنگی دکتر علی شریعتی.
- فرهنگ علوم سیاسی*؛ مدارک علمی ایران؛ انتشارات مرکز اطلاعات.
- مجموعه بیانات رهبری، جاودانه تاریخ*، مجموعه بیانات رهبری، به کوشش حجت الاسلام محمد محمدیان، چاپ اول، ۱۳۹۵.

- مردانی نوکنده، محمدحسین (۱۳۸۹). نقش فرهنگ شهادت در شکل‌دهی به هویت جوان ایرانی، همایش ملی ایثار و شهادت و توسعه کشور، ۱۲ آبان ماه -۱۳۸۹، دانشگاه رازی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۸). قیام و انقلاب مهدی؛ چاپ سوم، انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). تکامل اجتماعی انسان؛ چاپ هفتم، انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). حماسه حسینی؛ شیراز، انتشارات صدرا ۱۳۷۷.
- منصوری لاریجانی، اسماعیل (۱۳۸۲). سخنرانی شهید صیاد شیرازی، تاریخ دفاع مقدس، ناشر: انتشارات خادم‌الرضا (ع).
- هانینگتون، ساموئل (۱۳۷۵). سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی؛ ترجمه محسن ثلاثی، چاپ دوم، تهران: نشر علم.